شهرآرا
۲شنبه
۱۱ اردیبهشت ۱۴۰۲
۱۰ شوال ۱۴۴۴
شماره ۳۹۲۹
SHAHRARANEWS.IR
۱۵
تاریخ و هویت

نگاهی به پیدایش و روند فعالیت تشکل های کارگری در ارض اقدس

مشهد سرآغاز جنبش‌های کارگری ایران



کارگران کارخانه نخ‌ریسی

حسین بیات| تشکیل نخستین اتحادیه‌های کارگری به اروپا در قرن هجدهم برمی گردد که تشکل‌های کارگری به‌صورت سازمان‌های خودجوش تعاون و همکاری متقابل، میان کارگران پیدا می‌شوند. ازآنجاکه طبقه کارگر بدون وحدت سازمانی نمی‌تواند در مقابل قدرت سازمان‌یافته و متمرکز کارفرمایان یا قدرت دولت بایستد، از این دوره تشکیل سندیکاها(اتحادیه‌های صنفی)، به‌عنوان یک ضرورت در جوامع صنعتی تعریف می‌شود. هدف، بهبود وضع اقتصادی کارگران، تأمین معاش، افزایش دستمزدها، پیشگیری از بیکاری و مساعدت در زمان نیاز و اضطرار است. چند دهه بعد و در ۱۹۰۵ میلادی، برابر با ۱۲۸۴ خورشیدی، نمونه چنین اتحادیه‌ای در ایران نیز شکل می گیرد، اما پس از انقلاب اکتبر در روسیه و جایگزینی نظام کمونیستی با حکومت تزاری است که اتحادیه‌های کارگری مشهد و ایران همچون دیگر نقاط دنیا رونق می گیرند.

۱ نخستین تشکل کارگری ایران

نخستین تلاش‌ها برای ایجاد اتحادیه‌های کارگری و پیگیری حقوق کارگران در ایران به سال‌های پیش از مشروطه بازمی گردد. کارگران ایرانی که در باکو و قفقاز کار کرده و به وطن بازگشته بودند، بر آن می‌شوند که اتحادیه‌های کارگری را در ایران نیز بنا بگذارند.
حیدرخان عمواغلی که در جوانی(سال ۱۸۹۸ میلادی) به‌عضویت سازمان سوسیال دموکرات قفقاز درآمده است، چند سال بعد و پس از آشنایی با مبارزان قفقاز با همراهی نریمانف، عزیز بکف، جاپاریدزه و چند نفر دیگر، به سازمان‌دهی بیش از ۱۰ هزار پیشه‌ور و کارگر ایرانی مقیم قفقاز می‌پردازد و با عضویت آن‌ها، «حزب اجتماعیون عامیون»(برگرفته از حزب سوسیال دموکرات کارگری روسیه) و بعدتر «حزب همت» را در باکو بنیان می گذارد و هم‌زمان، با انقلابیون ایران نیز ارتباط برقرار می کند. او به احتمال فراوان در شعبان ۱۳۲۴قمری(اواخر ۱۹۰۲میلادی) مصادف با آبان ۱۲۸۱خورشیدی به‌عنوان مهندس برق برای بهره‌برداری از دومین چراغ‌برق حرم مطهر رضوی به مشهد می‌آید. نخستین چراغ‌برق مشهد در شب‌شنبه ۱۴جمادی‌الثانی۱۳۱۹ برابر ۶مهر۱۲۸۰خورشیدی(۲سپتامبر ۱۹۰۱میلادی)به بهره‌برداری می‌رسد اما کارایی نامطلوب و مشکل تأمین زغال‌سنگ، باعث می‌شود یک سال بعد جایش را به چراغ‌برق می دهد که در سفر دوم مظفرالدین‌شاه قاجار خریداری می‌شود. پیشینه و فعالیت‌های سیاسی حیدرخان سبب می‌شود که پس از ورود به مشهد نیز درصدد اجرای همان تئوری‌ها و مبارزات در این شهر باشد. تلاش او اگرچه در حدود یک سال حضورش در مشهد به تجمعی مشخص و دارای نام منجر نمی‌شود، زمینه‌ساز قیام مردم علیه حکومت شاهزاده نیرالدوله، والی خراسان، می‌شود که به عزل او نیز می انجامد.
برپایه تقریرات میرزا ابراهیم‌خان منشی‌زاده، حیدرخان درباره این دوره گفته است: «در تمام مدت یازده ماه که من در خراسان اقامت داشتم، هرچه سعی و تلاش کردم که بلکه بتوانم یک فرقه سیاسی به دستور روسیه [حزب همت: مبارزین کارگری قفقاز سوسیال دموکرات‌ها] تشکیل بدهم، ممکن نشد... . در این مدت فقط یک نفر مشهدی ابراهیم‌نام میلانی را که از کارخانه گیلزسازی آورده بودم و مشغول ساختن گیلز سیگار بود، با خود هم‌عقیده یافتم که می‌توانستم با او صحبت فرقه‌ای به میان آورم.»
نبود کارخانه و فضای کارگری در مشهد آن روزگار، یگانه علتی است که نمی گذارد حیدرخان، نخستین تشکل ویژه کارگران ایران را در مشهد سامان دهد. این گونه است که کارگران چاپخانه‌ای کوچک در تهران، نخستین اتحادیه کارگری در ایران را به سال ۱۲۸۴ خورشیدی(به روایتی ۱۲۸۹) تشکیل می‌دهند.

۲ تلاش های کارگری حزب مجاهد

تلاش‌های حیدرخان البته چندان بی‌نتیجه هم نیست و حزب سوسیال دموکرات با نام «جمعیت مجاهدین» در سال ۱۲۸۴ خورشیدی در مشهد تشکیل می‌شود. حزب مجاهد مشهد درواقع قدیمی‌ترین حزب سیاسی در تاریخ احزاب ایران به‌شمار می‌رود که در اثر گذاری سیاسی در مشهد، می‌توان آن را پس از انجمن‌ها و مجلس، سومین نهاد مدنی دوره مشروطیت خراسان دانست. حزب که چند سال قبل با تشکیلات مخفی به‌وجود آمده بود، مرام‌نامه و نظام‌نامه‌اش را در سال ۱۲۸۴ خورشیدی در باکو به چاپ می‌رساند و هم‌زمان با آغاز استانداری غلامرضاآصف‌الدوله شاهسون، والی جدید خراسان، در مشهد فعال می‌شود. اواخر شهریور۱۲۸۶ خورشیدی برابر با ۱۳۴۵ هجری قمری، نخستین کنگره مجاهدین در مشهد برگزار می‌شود و مرام‌نامه آن در این شهر به چاپ می‌رسد.
مسلک حزب مجاهد مشهد، دفاع از حکومت ملی و خواهان موجودیت مجلس، آزادی قلم و بیان و مجامع سیاسی و آزادی شخصی و تشکیل نهادهای مفید و سودمند برای همگان است، اما چه بخواهد چه نخواهد، شعبه ای از فرقه اجتماعیون عامیون است و همان آرمان‌ها و عقاید نوظهور مارکسیستی وانقلابی های روسیه را دنبال می کند. در این حزب، پیشه‌وران، کارگران، روشن‌فکران جوان، شماری از روحانی‌زادگان و کشاورزان مشهدی عضویت دارند و در محفل های خصوصی، عمومی و محفل فدائیان، اجتماع می کنند. در همین دوره، کارگران شهرهای مشهد، تبریز، انزلی و دیگر نقاط کشور، شعارهای مزد عادلانه، هشت ساعت کار در روز و همچنین اختصاص زمین برای دهقان و جمهوری سرمی‌دهند.



کارگران کارخانه قند آبکوه

۳ اولین ثمره اتحاد کارگران

با سرکوب انقلاب مشروطه از طرف استبداد، جنبش سندیکایی و اتحادیه‌ای نیز هدف هجوم قرار می گیرد تا از رسوخ افکار پیشرفته و سوسیال دموکراسی و مشروطه‌خواهی در بین کارگران و پیشه‌وران و دهقانان جلوگیری شود. کارگران پیشرو که مدافعان استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی هستند، پس از جریانات انقلاب مشروطه تا سال های قبل از پیروزی انقلاب اکتبر(۱۲۸۸ تا ۱۲۹۶ خورشیدی) آماج شدیدترین حملات قرار می گیرند و پادشاه وقت قاجار از هیچ‌گونه عملی برای سرکوب آنان خودداری نمی کند. در سال ۱۲۹۹ خورشیدی اما با الهام از تجربیات انقلاب سه‌ساله اکتبر در روسیه تزاری، جنبش‌های سندیکایی در ایران، دوباره رونق می گیرد. اگرچه آماری از تشکل‌های کارگری مشهد موجود نیست، تعداد سندیکاهای کارگری تهران در همین سال، به پانزده سندیکا می‌رسد. یک سال بعد هم شورای مرکزی اتحادیه‌های حرفه‌ای کارگران ایجاد می‌شود تا اتحادیه‌های کارگری در کشور را رهبری کند. در عرض چهار سال، بیش از ۳۰ هزار کارگر و کارمند زیر پرچم شورای مرکزی اتحادیه‌های حرفه‌ای گردهم می‌آیند و تحت‌تأثیر همین جنبش است که در فاصله سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۰۴ چندین اعتصاب بزرگ، ازجمله اعتصاب چهارده‌روزه کارگران چاپخانه‌ها و اولین اعتصاب کارگران نفت آبادان، برگزار می‌شود و سرانجام دولت وثوق‌الدوله را ناچار می کند که هشت ساعت کار روزانه، آزادی فعالیت سندیکاها و جشن اول ماه مه را بپذیرد.



کارگران نخستین لوله گذاری نفت در ایران

۴ نفوذ توده‌ای ها تشکیلات کارگری مشهد را به حاشیه برد

در دوران رضاشاه، با تصویب قانونی موسوم به «قانون‌سیاه»، سرکوب گسترده اتحادیه‌های کارگری آغاز می‌شود و تا سال ۱۳۲۰ اتحادیه‌های کارگری سراسر ایران، همچنان با حکومت مرکزی بر سر حقوق خود و میزان ساعت کاری، اختلاف‌نظر و درگیری دارند. پس از جنگ جهانی دوم و خروج رضاشاه از ایران، دوران شکوفایی اتحادیه‌های کارگری نیز فرامی‌رسد. دهه ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۰ اوج دوران فعالیت این اتحادیه‌هاست. در ابتدای همین دوره، نه‌تنها اتحادیه‌های مختلف کارگری شکل می گیرند که از اتحاد آن‌ها در سال ۱۳۲۱، شورای مرکزی اتحادیه کارگران ایران نیز با ۳۰ هزار عضو پدید می‌آید. در همین سال‌ها حکومت به‌منظور جلب حمایت طبقه کارگر، فعالیت‌های محدودی در زمینه سهیم کردن کارگران در ۲۰ درصد از سود کارگاه‌ها، تعیین حداقل دستمزدها و فروش سهام کارخانه به کارگران انجام می‌دهد و هرساله کنگره ملی کار را نیز به‌منظور تعیین سیاست‌های کارگران تشکیل می‌دهد.
بیشتر اتحادیه‌های کارگری اما تحت اندیشه‌های سوسیالیستی حزب کمونیست روسیه قرار دارند و با هدایت حزب توده و نیروهایش، فعالیت می کنند. نمونه‌اش در مشهد که به‌واسطه دو دهه حضور مهاجران عشق‌آبادی و فعالیت آن‌ها در مراکز صنعتی، جمعیت زیادی از ساکنان شهر، جذب حزب توده می‌شوند. رویکرد روزنامه‌نگاران، پزشکان، وکلا و مهندسان مطرح مشهد به حزب توده، موجب می‌شود بخش بزرگی از جامعه کارگری مشهد نیز به این حزب متمایل شوند. با هدایت همین نیروها در دهه ۲۰ اعتراض‌ها و اعتصاب‌هایی رخ می‌دهد که به تشدید اختلاف میان دربار پهلوی با اتحادیه‌های کارگری منجر می‌شود و سرانجام در سال ۱۳۲۷ زمانی که یک عضو وابسته به حزب توده، محمدرضا پهلوی را در کاخ مرمر ترور می کند(تروری ناموفق)، بهانه بزرگی می‌شود تا از فعالیت شورای متحده مرکزی اتحادیه کارگران و زحمتکشان ایران و سندیکاهای کارگری و حزب توده ایران جلوگیری شود و همه را ممنوع و غیرقانونی اعلام کنند.
درواقع رشد و گسترش حزب توده، محصول شرایط نابسامان اقتصادی و تبلیغات گسترده بعد از شهریور۱۳۲۰ است. این حزب به‌صورت رسمی در سال ۱۳۲۲ فعالیتش را در مشهد آغاز می کند. ازجمله عواملی که موجب می‌شود فعالیت این حزب در مشهد ازگستردگی برخوردار باشد، وجود کانون‌های کارگری و مراکز صنعتی همچون کارخانه نخریسی و نساجی خسروی و کارخانه قندآبکوه و کارگاه‌های روغن‌کشی، پنبه‌پاک‌کنی، صابون‌سازی و... است.
محمدمهدی باروحی، از فعالان جامعه کارگری مشهد که سال‌ها به‌عنوان نماینده کارگران در کارخانه نخریسی و نساجی خسروی خراسان مسئولیت داشت و همچنین هشت سال در انجمن شهر مشهد، نماینده جامعه کارگری بود، فعالیت توده‌ای‌ها را در مشهد این‌گونه شرح می‌دهد: «چون در شهر مشهد به‌جز کارخانه نخریسی و کارخانه قندآبکوه جایی که مجتمع از کارگران در سطح وسیع باشد وجود نداشت، تمام تلاش حزب توده، نفوذ در این دو کارخانه بود، بنابراین به‌جای اینکه جنبه اقتصادی این کارخانه مطرح شود، بیشتر جنبه سیاسی و امنیتی پیدا کرده بود. معمولا کسانی را که به‌عنوان رئیس کارخانه می‌گذاشتند، به‌اصطلاح گردن‌کلفت بودند؛ یعنی از رجال سیاسی آن زمان می‌آوردند به‌عنوان رئیس کارخانه می‌گذاشتند.»
باروحی در بخشی دیگر از این مصاحبه، مهم‌ترین علت جذب توده کارگران را به حزب توده، نبود قوانین کار می‌داند؛ «زیرا حزب توده با شعارهای رفاهی به تیپ کارگر نزدیک شده بود.»
اگرچه فشار سرکارگران، نیروهای حکومتی و دسته‌ها وانجمن‌های مذهبی باعث می‌شود جمعیت زیادی از کارگران مشهدی ازجمله کارگران نخریسی و نساجی خسروی خراسان در دو نوبت، یکی در سال ۱۳۲۵ و دیگری در سال ۱۳۳۱ از حزب استعفا کنند، درنهایت تشکیلات کارگری خراسان، استانداری، شهربانی و تأسیس ساواک بعد از کودتای ۲۸مرداد ۱۳۳۲ سبب می‌شود که هم حرکت و فعالیت‌های هواداران حزب توده و هم حرکت تشکیلات کارگری مشهد به‌مرور زمان به حاشیه برود و فراموش شود.







چند نما از کارگران ایرانی در مشاغل مختلف

منبع:
حیدرخان عمواوغلی (اسناد و خاطرات)، اسماعیل رائین
بازخوانی زندگانی حیدرخان عمواوغلی، نوشته سینا صابری
مقاله نهضت مشروطه و سرنوشت سه رویکرد سیاسی علمای مشهد، نوشته غلامرضا جلالی،
مجله حوزه، سال ۱۳۸۲، شماره ۱۱۵
سلسله‌مقالات در جست‌وجوی حقایق شهریور ۱۳۲۰ مشهد(بخش پایانی)، از غلامرضا آذری‌خاکستر

یادی از کارگرانی که در دوره قاجار برای کار به آن‌سوی خزر رفتند اما هرگز برنگشتند

روایت ۱۰هزار کارگر مفقود در روسیه



کمال سیستانی

سال ۱۸۸۶ میلادی در چنین روزهایی، شماری از کارگران شهر شیکاگوی آمریکا علیه شرایط سخت و ناعادلانه کاری خود دست به اعتراض زدند؛ اعتراضی که درنهایت منجر به کشته شدن تعدادی از آنان شد. از آن تاریخ تا به امروز، این ایام در تقویم همه کشورهای جهان، هفته کارگر نام گرفته است؛ هفته‌ای به نام تعداد زیادی از قشر زحمتکش جامعه که تا هنوز هم به‌درستی نتوانسته‌اند به حقوق کاری خود دست یابند و وضعیت شغلی مناسبی پیدا کنند. برای درک بهتر این موضوع، داستانی وجود دارد درباره وضعیت کارگران ایرانی دوره قاجار که ناچار می‌شوند برای کار به آسیای مرکزی و قفقاز مهاجرت کنند. شرح حال آنان به روایت اخبار مطبوعات در کتاب «تاریخ اقتصادی مشهد»، از علی نجف‌زاده و جلیل قصابی گزکوه آمده است که در ادامه می‌آید.

مهاجرت کارگران ایرانی به آسیای مرکزی و قفقاز

افزایش واردات، نبود صنایع تولیدی و نبود اشتغال درکنار افزایش جمعیت، سبب رواج بیکاری در ایرانِ اواسط دوره قاجار شد. در این ایام وضعیت کارگران از دیگر اقشار مملکتی بسیار بدتر بود؛ برابر اسناد برجای‌مانده، مزدیک کارگر در شهر مشهد سال ۱۳۰۷ قمری یک‌قران بود، درحالی که هر قرص نان، نیم‌قران و هر نیم کیلو گوشت نیز دو و سه‌چهارم‌قران قیمت می‌خورد.
درکنار این‌ها، دلایل دیگری چون کاهش کنترل‌نشدنی واحد پول ایران به‌دلیل سقوط جهانی بهای نقره، قحطی و خشک‌سالی، نبود نیروی متخصص کاری و همچنین فقدان کارخانجات صنعتی، بسیاری از کارگران ایرانی را واداشت تا به کشورهای همسایه مانند روسیه که در آن دوران، پیشرفت‌های صنعتی و اقتصادی را تجربه می کرد، بروند؛ کشوری که قرار نبود برای این مهاجران، شرایط همسانی مانند خود کارگران روسی فراهم کند.
برابر اسناد موجود، این کارگران ۲۵درصد کمتر از کارگران روس دستمزد می گرفتند و حقوق انسانی و امکانات رفاهی نازل‌تری داشتند، با این‌همه کارگران ایرانی به جست‌وجوی کار می‌رفتند و به‌دلیل ارزان بودن، از آن‌ها استقبال هم می‌شد. تداوم ساخت راه‌آهن در روسیه، دلیل دیگری شد تا در میانه سال‌های ۱۳۳۲ تا ۱۳۳۵ قمری، تعداد زیادی از کارگران مشهدی و خراسانی، عازم بلاد غربت شوند.
در ادامه پس از تسلط روس‌ها بر ترکستان و آسیای مرکزی، کارگران ایرانی به ترکستان روی آوردند. دهقانان، دامداران و پیشه‌وران ورشکسته‌ای که قحطی امانشان را بریده بود، میهن خود را در جست‌وجوی درآمد، ترک می کردند تا به‌عنوان کارگران خاک‌کش در ساختمان راه‌آهن تاشکند-اورنبورگ یا در لباس باربر در بندرها و ایستگاه‌های راه‌آهن این کشورها کار کنند.
روزنامه نوبهار در ۲رجب ۱۳۳۲ قمری خبری را منتشر می کند که نشان می‌دهد ارزان بودن کارگر ایرانی موجب شده است رئیس راه‌آهن روسیه به مشهد بیاید تا با خودش، کارگر به آن‌طرف آب‌های خزر ببرد: «مأموران دولت روس در کار استخدام عمله‌جات هستند.» نوبهار سپس شرایط استخدام کارگران را بیان می کند و می‌نویسد: «مخارج و کرایه راه آنان تا محل کار، داده می‌شود و در آنجا نیز ازقرار روزی چهار قران با نان، دستمزد می‌دهند تا با کلنگ و... کار کنند.» اما این ظاهر ماجراست؛ زیرا شرح اوضاع این کارگران مهاجر نشان می‌دهد که آنان ناچار بودند در بیابان‌های بسیار گرم بدون وجود آب کافی، پیوسته برای ساعت‌های طولانی کار کنند و ناگفته پیداست که این شرایط، بسیاری از آنان را از پا درمی‌آورد و سبب مرگشان می‌شد.

شروع جنگ جهانی و آغاز بحران برای کارگران مهاجر

مرحله دیگری از استخدام کارگران ایرانی برای راه‌آهن حاجی‌طرخان در زمان جنگ جهانی اول آغاز می‌شود. اطلاعیه‌ای را کمپانی راه‌آهن‌سازی منتشر می کند که اعلام می کند عده‌ای کارگر برای ساخت راه‌آهن «حاجی‌طرخان» که دویست فرسنگ از محل جنگ دور بوده، لازم دارند. شرایط ایران آن‌قدر بد بود که این‌بار هم طبق گزارش ۲۸جمادی‌الثانی ۱۳۳۷ قمری، فقط از مشهد ۱۰هزار و ۸۴۴عمله به روسیه می‌روند. از این عده، ۶۷۶نفر را کنسول روسیه در مشهد استخدام می کند، برای آن‌ها تذکره می گیرد و اعزامشان می کند. بقیه کارگران خودشان به روسیه می‌روند و استخدام می‌شوند. این را که سرنوشت این کارگران چه شد و چه کردند، کسی نمی‌دانست تا اینکه شرح تأسف‌آوری در جراید روسیه و قفقاز، چاپ و موجب اندوه و ملال می‌شود. روزنامه چمن برای آگاه کردن هم‌وطنان از وضعیت اندوه‌بار این کارگران هم‌وطن مانده در غربت، شرحی از آنچه جراید روسی نوشته بودند، ترجمه و در صفحات خود چاپ می کند: «کارگران ایرانی به‌جای کار در راه‌آهن حاجی‌طرخان، به مناطق بسیار سرد فرستاده شده‌اند و حقوق آن‌ها طبق مقررات و تعهدات ازسوی کارفرمایان رعایت نشده است. دردناک‌تر از همه اینکه اجرت معمول به آن‌ها نمی‌دادند. درنتیجه هر روز در رهگذرها و کوچه‌های ولایات قفقاز، بی‌لباس و خوراک، چندین نفر آن‌ها دنیا را در حالت اسفناک و غم‌انگیزی(یا از گرسنگی و یا از سرما) وداع می کردند.»
پس از انتشار این اخبار، «ساعدالوزاره»، نایب کنسول ایران در تفلیس، پیشنهاد می‌دهد اجازه دهند برای این فعله‌ها(کارگران تذکره‌نگرفته در تفلیس) جایی به‌منظور سکونت تهیه شود. ولی تفلیس آن‌قدر به این موضوع بی‌اعتنایی می کند که کنسول ایران، شخصا از جیب خود اعانه ایرانی‌ها را می‌پردازد و آنان را به شکل پراکنده و تدریجی از تفلیس خارج می کند.
در ادامه، روزنامه چمن خطاب به مردم، اعلامیه چاپ و از همه مشهدی‌ها درخواست کمک می کند: «مساعدت کرده، وسایل آسایش آن مردم فقیر را فراهم نمایید. شاید ممکن شود که این کارگران، وطن خود را یک دفعه دیگر دیده، از چنگال گرسنگی و مرگ رهایی پیدا کنند که اگر چنین نشود، مسلم است که زنده نخواهند ماند.» جریده چمن همچنین در ۶ربیع‌الثانی ۱۳۳۵ قمری برای تشویق عمومی اعلام می کند: «روحانیون و تجار والامقام، مشغول تهیه اعانه برای هم‌وطنان در دیار غربت هستند. ظهیرالاسلام، تولیت آستان قدس، مبلغ دویست تومان اعانه داد.» با این همه طبق گزارش ۲۸جمادی‌الثانی ۱۳۳۷ قمری درباره تلفات جانی جنگ جهانی اول، آمده است که از تعداد ۱۰ هزار و ۸۴۴ کارگر مهاجرت کرده به روسیه، حدود یک‌دهم هم مراجعت نکرده‌اند و اثری از آن‌ها نبوده است.